

اس. گلدمن  
ترجمه و تعلیق: حسن رضایی هفتاد

## یوسف صدیق و سرگذشت او

در دایرةالمعارف قرآنی مستشرقان

اشاره

تعالیم هدایت بخش قرآن که چون شمعی فروزان، فراوری انسان هاست، از صدر اسلام تاکنون مورد توجه محققان علوم قرآنی قرار گرفته است. آنان حاصل پژوهش‌ها و تدبیرهای خود را در مورد این کتاب آسمانی در قالب کتاب‌ها و دایرةالمعارف‌ها به جهان علم عرضه کرده‌اند. از جمله آنها دایرةالمعارف قرآن (Encyclopaedia of the Quran) بوده که در ۵ جلد توسط انتشارات «بریل» در شهر لیدن (هلند) منتشر شده است. سرپرستار این دایرةالمعارف خانم «جین دمن مک‌اولیف» استاد تاریخ و ادبیات دانشگاه جرج تاون آمریکا است که چهار تن از معروف‌ترین قرآن‌پژوهان و اسلام‌شناسان غربی، وی را در این راه یاری داده‌اند. این چهار تن عبارتند از: کلود ژیلیو، از دانشگاه ایکس-آن-پروانس (فرانسه)، ویلیام گراهام از دانشگاه هاروارد (آمریکا)، دداد قاضی از دانشگاه شیکاگو (آمریکا)، اندرو ریپین از دانشگاه ویکتوریا (کانادا)، البته موفیک برناردز و ویلیج بین از دانشگاه گرونینگن (هلند) و جان نواس از دانشگاه کاتولیک لیون، هیئت ویراستاران اصلی را یاری دادند.

همچنین هیئت مشاوران ارشد در این دایرةالمعارف عبارتند از: نصر حامد ابوزید از دانشگاه لیدن، محمد ارکون از دانشگاه سوربن فرانسه، گرهارد پورینگ از

## یوسف صدیق و سرگذشت او

دانشگاه ییل (آمریکا)، جرالد هاوتینگ از دانشگاه لندن، فیرد لیمهاوس از دانشگاه گرونینگن (هلند)، آنجلیکا نویورت از دانشگاه برلین آلمان.

هر یک از مقالات کوتاه یا بلند این دایرةالمعارف، نوشته یکی از محققان مسلمان یا غیرمسلمان است که در دانشگاه‌های اروپا، کانادا و آمریکا و نیز برخی از کشورهای اسلامی، به تدریس و تحقیق در زمینه مطالعات قرآنی اشتغال دارند. از جمله مؤلفان مسلمان این دایرةالمعارف، می‌توان به نصر حامد ابوزید (مصری)، محمدعلی امیرمعزی (ایرانی)، محمد ارکون (الجزایری)، وائل حلاق (فلسطینی)، مستنصر میر (پاکستانی)، عبدالعزیز ساشادنیا (تائزانیایی) و محسن ذاکری<sup>(۱)</sup> (ایرانی) اشاره کرد. همچنین شماری از قرآن‌پژوهان معروف غربی مانند هربرت برگ، هربرت بوسه، فردریک دنی، هربرت آیزنشتاین، ریچارد مارتین، هارولد موتسکی، اندرو ریپین، اری وین، مایکل سلز و آلفورد ولج، تألیف بخشی از مقالات دایرةالمعارف قرآن را بر عهده داشته‌اند. طرح تدوین و انتشار دایرةالمعارف قرآن، نخستین بار در ۱۹۹۳ در ملاقات میان خانم مک‌اولیف و آقای پری بیرمان از مسؤولان انتشارات بریل مطرح شد و بلافاصله پس از تأیید و قبول آن از سوی این انتشارات مهم، چهار تن از محققان قرآن‌پژوه غربی به نام‌های دداد قاضی، کلود ژیلیو، ویلیام گراهام و اندرو ریپین، شورای ویراستاری این دایرةالمعارف را تشکیل دادند. اینان با دعوت از معروف‌ترین نویسندگان و محققان قرآنی در دانشگاه‌های سراسر جهان کوشیده‌اند کتابی مرجع در مطالعات قرآنی امروزی فراهم آورند که در این حوزه تخصصی، جدیدترین اطلاعات و پژوهش‌ها را به خوانندگان و علاقه‌مندان مباحث قرآنی ارائه کنند.

این طرح، مشابه طرح انتشار دایرةالمعارف اسلام توسط همین ناشر در لیدن

۱. محسن ذاکری، مؤلف مقاله «حکمت» در دایرةالمعارف قرآن بوده که راقم این سطور آن را ترجمه و در نشریه «گلستان قرآن»، شماره ۱۷۶، سال هفتم، خرداد ۱۳۸۳ منتشر شده است. (مترجم).

(هلند) است که به گونه‌ای بسیار وسیع‌تر، به تمامی مباحث و مطالعات اسلامی می‌پردازد. با این همه نباید از یاد برد که مقالات دایرةالمعارف قرآن همگی صرفاً از منظری قرآنی و یا مرتبط با قرآن تألیف نشده‌اند؛ اما در دایرةالمعارف اسلام، نگاه مؤلفان وسیع‌تر و کلی‌تر است و به همین جهت بسیاری از مدخل‌های دایرةالمعارف قرآن در دایرةالمعارف اسلام وجود ندارد و بالعکس.

از آنجا که قصد سروراستار و هیئت ویراستاری این دایرةالمعارف، تهیه دانش‌نامه‌ای جامع و مرجع در حوزه مطالعات قرآنی بوده است، توجه ایشان به مباحث قدیم و موضوعات جدید، یکسان است. بر این اساس، مدخل‌های این دایرةالمعارف بر دو گونه‌اند: گونه نخست که اکثریت مقالات را تشکیل می‌دهند، به معرفی شخصیت‌های مهم، مفاهیم، مکان‌ها، ارزش‌ها و حوادث مهمی می‌پردازند که مستقیماً در خود قرآن به آنها اشاره شده است و یا اموری هستند که اهمیت و ارتباط نزدیکی با متن قرآن دارند. نمونه آنها مقالات ابراهیم، هارون، علی بن ابی‌طالب، کعب، ارتداد، تابوت عهد، عسرات، تسدقین، بسدر، بسمله، تسخ و جز آن است. دسته دوم از مقالات این دایرةالمعارف به مباحث و موضوعات مهم حوزه مطالعات قرآنی می‌پردازند. چند نمونه از این مدخل‌ها عبارتند از: پژوهش‌های قرآنی معاصر، بایانه‌ها و قرآن، هنر و معماری و قرآن<sup>(۱)</sup>، کنترل مولید، باستان‌شناسی و قرآن و زبان و خط عربی. در این هر دو دسته مقالات، هم اطلاعات و منابع کهن اسلامی و هم تحقیقات، نظریات و متون جدید قرآنی مدنظر بوده است.

بررسی مقالات نشان می‌دهد که مسؤولان علمی دایرةالمعارف قرآن (EQ) در انتخاب و گزینش مؤلف، بر تخصص و زمینه تحقیقاتی هریک از مؤلفان تأکید ورزیده و سعی داشته‌اند تا تألیف مقالات مهم را به کسی بسپارند که در آن زمینه صاحب‌نظر بوده

۱. مقاله «هنر، معماری و قرآن» به قلم «النگ گراباره» است و توسط نگارنده، ترجمه و در نشریه «اسلام‌پژوهی»، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، منتشر شده است. (م)

و تألیفاتی علمی-پژوهشی داشته باشد. برای نمونه تألیف مقاله پراهمیت «اسباب النزول» به قرآن‌پژوه معروف انگلیسی آقای اندور ریپین سفارش داده شده که به صورت تخصصی در این موضوع به پژوهش پرداخته و پایان‌نامه دکترای وی با عنوان «متون اسباب النزول قرآنی: بررسی کاربرد و تحول آن» است. خانم زاینه اشمیتکه مؤلف کتاب «اندیشه‌های کلامی علامه حلی» نیز که قبلاً به همراه مارتین مکدرموت و زیر نظر پرفسور ویلفرد مادلونگ، تأثیر و تأثر و ارتباط آرا و اندیشه‌های متکلمان بزرگ شیعه با مکتب کلامی اعتزال را بررسی کرده، تألیف مقاله مهم «معتزله» را عهده‌دار شده است. در انتخاب و نامگذاری مدخل‌های این دایرةالمعارف، شیوه‌ای رعایت شده است که در دایرةالمعارف اسلام سابقه ندارد. ویراستاران و هیئت علمی این دایرةالمعارف در نامگذاری مدخل‌ها، بنا را بر انگلیسی بودن واژه‌ها گذاشته‌اند و معروف‌ترین اصطلاحات و اسامی اسلامی را بر مبنای تلفظ عربی‌شان آوانگاری نکرده‌اند، بلکه همواره کوشیده‌اند تا حد امکان از معادل‌های انگلیسی و لاتین متداول در متون و ادبیات غربی استفاده کنند. مثلاً به جای نسخ (Nakh) از Abrogation و به جای تشبیه (Tashbih) از Anthropomorphism و به جای جاهلیت (Jahiliyya) از ترکیب Age of Ignorance استفاده کرده‌اند. ایشان حتی اسامی خاص و اعلامی چون آدم، ابراهیم، هارون، هاییل، قابیل، یاجوج و ماجوج و مانند آن را همانند دایرةالمعارف اسلام بر اساس تلفظ عربی، آوانگاری نمی‌کنند، بلکه بر مبنای ادبیات کتاب مقدس، معادل‌های انگلیسی آنها را به کار برده‌اند.

البته اگر اسم خاص یا اصطلاحی که به عنوان یک مدخل به کار گرفته شده، معادلی در زبان لاتین نداشته باشد، بر مبنای تلفظ عربی‌اش آوانگاری شده است. مانند همه نام‌ها و اسامی خاص مربوط به حوزه اسلام نظیر علی بن ابی‌طالب، ابوبکر، حمزة بن عبدالمطلب و فاطمه که در متون مقدس غربیان به کار رفته و اصطلاحاتی نظیر جن، مصحف، معتزله، ناموس، حنیف، برزخ و بسمله که تنها در حوزه اسلام مطرح شده

است. این روش هرچند برای غریبان مفهوم تر و مقبول تر است این ایراد را دارد که از سیستم جامعی جهت ارجاع مدخل های هم معنایی بهره است (۱) که البته نقد و بررسی جامع این دایرة المعارف فرصت گسترده ای لازم دارد.

به لحاظ اهمیت نقطه نظر مستشرقان پیرامون مباحث اسلامی، در این نوشتار ترجمه یکی از مقالات دایرة المعارف مذکور با عنوان «یوسف» به قلم اس. گلدمن ارائه می شود. امید است ترجمه این قبیل آثار، گامی در جهت آشنایی با دیدگاه های اسلام شناسان غربی باشد.

### یوسف

پسر یعقوب داستانش در سوره یوسف - سوره دوازدهم قرآن - بیان شده است. این سوره به ذکر داستان یوسف اختصاص یافته و به تنهایی، مفصل ترین زندگی نامه یکی شخصیت را در قرآن تشکیل داده است. ۱۱۱ آیه این سوره رخداد های زندگی یوسف را نقل می کنند. از گفتگو های دوران کودکی یوسف با پدرش - یعقوب - و برادرانش (۲) گرفته تا گفتگو هایی که به تبعید و زندانی شدن او منجر شدند و رفع کشمکش های خانوادگی به واسطه هدایت و وحی الهی (۳).

در آیه سوم سوره یوسف اعلام می شود که قرار است «نیکوترین سرگذشت ها»

۱. برای اطلاع بیشتر از دایرة المعارف قرآن: ن. ک: مقاله «آشنایی با دایرة المعارف قرآن» در شماره ۸۶ نشریه گلستان قرآن، «انتشار جلد سوم دایرة المعارف قرآن» در شماره ۷۳ نشریه کتاب ماه دین، «پیشگفتار دایرة المعارف قرآن» (م).
۲. ن. ک: به مقالات (BENJAMIN ; BROTHER AND (BROTHERHOOD) (بنیامین، برادر و برادری) در دایرة المعارف قرآن.
۳. ن. ک: مقاله (REVELATION AND INSPIRATION) (وحی و الهام) در همین دایرة المعارف.

(أحسن القصص) نقل شود (۱). مفسران قرآن، اختلاف نظر دارند که آیا عبارت اخیر، ارجاعی مستقیم به داستان یوسف است یا اظهار نظری کلی درباره کیفیت قصه های قرآن؟ مفسرانی که قصه یوسف را بهترین قصه می دانند، دلایل عدیده ای را برای برتری آن ارائه می کنند (۲). «این داستان به خاطر درس های عبرت آموز نهفته در آن، سخاوت یوسف و گنجینه ای از موضوعات مختلف، از همه داستان ها زیبا تر است و در آن پیامبران (۳)، فرشتگان (۴)، شیاطین (۵)، جَنّیان، انسان ها، جانوران، پرنندگان (۶)، فرمانروایان (۷) و رعایا هر کدام نقشی ایفا می کنند (۸)».

در جای جای این سوره دعوت های متعددی هست که مؤمنان را ترغیب می کند تا در پس امور انسانی، دست خداوند را ببینند و به قدرت نبوت راستین پی ببرند. پس یوسف را می توان نمونه و سرمشق اصلی قرآن دانست: او پیامبری (نبی) است که ریشخند و تبعید می شود؛ اما نهایتاً حرف هایش به کرسی می نشیند و منزلت بسیار می یابد. به تعبیری، یوسف، الگوی زندگی محمد ﷺ است و بسیاری از تفاسیر (۹) مضمون و کارکرد اصلی سوره یوسف را همین موضوع می دانند (۱۰). این تفسیر از پشتوانه

۱. ن. ک: مقاله (NARRATIVES) (قصص) در همین دایرة المعارف.
۲. ن. ک: مقاله (MYTHS AND LEGENDS IN THE QURAN) (اسطوره ها و انسان ها در قرآن)، در همین دایرة المعارف.
۳. ن. ک: مقاله (PROPHETS AND PROPHETHOOD) (انبیا و نبوت)، در همین دایرة المعارف.
۴. ن. ک: مقاله (ANGEL) (فرشته) در همین دایرة المعارف.
۵. ن. ک: مقاله (DEVIL) (شیطان)، در همین دایرة المعارف.
۶. ن. ک: مقاله (COSMOLOGY; ANIMAL LIFE) (جهان شناسی، زندگی حیوانات) در همین دایرة المعارف.
۷. ن. ک: مقاله (SOCIETY IN THE QURAN) (جامعه و بزرگان در قرآن)، در همین دایرة المعارف.
۸. ثعلبی، قصص، ر. ک: ذیل بحث ملوک.
۹. ن. ک: مقاله (EXEGESIS OF THE QURAN: CLASSICAL AND (MEDIEVAL) (تفسیر قرآن: دوران اسلام و سده های میانه) در همین دایرة المعارف.
۱۰. ن. ک: مقاله (OPPOSITION TO MUHAMMAD) (مخالفت با محمد) در همین دایرة المعارف.

روایت «اسیاب نزول» نیز برخوردار است که آن روایت چگونگی نزول این سوره را در زمانی می‌داند که شکاکان، دانش محمد ﷺ را نسبت به داستان‌های بنی اسرائیل مورد تردید قرار داده و در این باره از او سؤال کرده بودند<sup>(۱)</sup>. این سوره پاسخی است به سؤال فوق و در نتیجه داستانی آکنده از جزئیات است و اطلاعاتی را در بر می‌گیرد که حتی پیش از این در بازگویی‌های قصه‌های خاندان یعقوب هم یافت نمی‌شود.

بیضاوی در تفسیر آیه نخست این سوره - «این است آیات کتاب روشن‌گر» - تفسیری ارائه می‌دهد که با معنای ساده این نص، متفاوت است. تفسیر او به قرار زیر است: «این سوره، سوره‌ای است که سؤالات یهودیان را روشن ساخت... در خبر است که احبار ایشان به سران مکه گفتند: از محمد علت سفر خاندان یعقوب از شام به مصر و سرگذشت یوسف را پرسید. این سوره در چنین شرایطی نازل شد. در نوبتی دیگر، از محمد ﷺ حتی جزئیات بیشتری پرسیده می‌شود که او در پاسخ نام ستارگانی<sup>(۲)</sup> را که یوسف در رؤیایش دیده بود بازگو می‌کند<sup>(۳)</sup>.

در این داستان رؤیاهای<sup>(۴)</sup> نقش اصلی را ایفا می‌کنند. رؤیای کودکی یوسف که حاکی از رسیدن او به جاه و مقام بود و برادرانش را به شدت رنجاند. در آیه‌های چهار تا هفت سوره یوسف توصیف می‌شود. رؤیاهای پادشاه مصر<sup>(۵)</sup> او را نگران می‌کنند. آنها «خواب‌هایی پریشان» (اضغاث اخلام) هستند و تنها یوسف می‌تواند تعبیر واقعی آنها را عرضه کند. در این آیات انسان می‌تواند ایجاز داستان را که در سوره یوسف مؤثر است، ببیند. در داستان‌های تورات از یوسف، هر دو دسته رؤیا یعنی رؤیاهای یوسف و

۱. بیضاوی، انوار.

۲. ن.ک: مقاله (PLANTES AND STARS) (سپارات و ستارگان) در همین دایرةالمعارف.

۳. زمخشری، کشاف. ن.ک: مقاله (JEWES AND JUDAISM) (یهودیان و یهودیت) در همین دایرةالمعارف.

۴. ن.ک: مقاله (DREAMS AND SLEEP) (رویاها و خواب) در همین دایرةالمعارف.

۵. ن.ک: مقاله (PHARAOH) (فرعون) در همین دایرةالمعارف.

روایات فرعون، هر کدام از دو رؤیا تشکیل می‌شوند؛ ولی قرآن برای هر شخصیت تنها یک رؤیا بازگو می‌کند. چکیده پیام‌های این رؤیاها از طریق نحوه نگارش و تمییرهای بازگوشده آنها انتقال می‌یابد<sup>(۱)</sup>.

در میان این دو دسته رؤیا، (رؤیای یوسف و رؤیای فرعون) بخشی از داستان جای دارد که هم در فرهنگ اسلامی و هم در فرهنگ غرب، بیشترین توجهات تفسیری و ادبی را از آن خود کرده است. فرازی از داستان که در آن بانوی ارباب یوسف در صدد اغوای او برمی‌آید. دلایل تن ندادن یوسف به پیشنهاد این زن که نامش ذکر نشده و بزرگ‌تر از یوسف است، مستقیماً بیان نمی‌گردد. صرفاً نقل می‌شود که یوسف با دیدن «برهان پروردگارش» (بُرْهَانَ رَبِّهِ آیه ۲۴) از وسوسه دوری جست که این «برهان» در تفاسیر، تعبیر گوناگونی یافته و مثلاً رؤیت تصویر ارباب آن خانه یا تصویر پدرش یعقوب انگاشته شده است. مطلب مذکور در تفاسیر دیگر به اشکال زیر نیز تفسیر شده است: «ندای الهی به یوسف فرمان می‌دهد که گناه نکند یا نقش بستن آیات قرآنی بر دیوار که بیان‌گر حذر از گناه بودند<sup>(۲)</sup>.

در پی ماجرای یوسف و بانوی اربابش و نیز برخورد بعدی او با «زنان شهر» وی را به زندان انداختند که تنها پس از تعبیر خواب پادشاه مصر، از آن رهایی یافت. قرآن در اینجا بر بی‌گناهی یوسف پای می‌فشارد و صحنه را برای گستردن نیمه دوم سرگذشت وی آماده می‌کند. نیمه دوم سوره یوسف به برخوردهای پرماجرا میان یوسف و اعضای خانواده‌اش اختصاص دارد. برادران یوسف - که نامشان ذکر نمی‌شود - مدام بین پدرشان - یعقوب - و برادرشان - یوسف - رفت و آمد می‌کردند و به دنبال رفع اختلاف

۱. ن.ک: مقاله (SCRIPTURE AND THE QURAN) (کتاب آسمانی و قرآن)، در همین دایرةالمعارف.

۲. ن.ک: مقاله (FORNICATION; MAJOR AND MINOR; ADULTERY AND SEXUALITY) (گناه، بالغ و صغیر، زناى محصنه و غیر محصنه، جماع و شهوت) در همین دایرةالمعارف.

خانوادگی بودند. پیش از ورود همزمان این برادران و پدرشان به مصر، این اختلاف برطرف می‌شود. یوسف به برادرانش اطمینان می‌دهد که نکوهش نخواهند شد و به یعقوب گفته می‌شود که فرزندانش بخشیده شدند. این سوره در پایان داستان، خواننده/شنونده را ترغیب می‌کند تا اراده الهی را در پس سرگذشت یوسف مشاهده کند. اراده‌ای که صرفاً به واسطه فرستادگان خداوند آشکار می‌شود<sup>(۱)</sup>.

نام یوسف در دو سوره دیگر به جز سوره یوسف نیز ذکر می‌شود. نام یوسف در فهرستی از پیامبران پیشین، میان ایوب و موسی (قرآن ۶:۸۴) به چشم می‌خورد. درباره همین مضمون که یوسف یکی از پیامبران پیشین - و در نتیجه سلف و الگوی محمد - است به آیه ۳۴ سوره خافر مراجعه کنید. آنجا که بیان می‌شود: «و به یقین، یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد و از آنچه شما آورد همواره در تردید بودید تا وقتی که از دنیا رقت گرفتید: خدا بعد از او هرگز فرستاده‌ای را بر نخواهد انگیخت».

در قرآن نه به مرگ یوسف اشاره می‌شود و نه به مراسم خاکسپاری او؛ اما در افسانه‌های اسلامی به آنها پرداخته می‌شود. طبری (متوفی ۳۲۰/۹۲۳) در روایتی نقل می‌کند که یوسف ۱۲۰ سال عمر کرد. همچنین وی با استناد به روایتی از کتاب مقدس بیان می‌کند که یوسف در سن کمتر از این درگذشته است. «در تورات ذکر می‌شود که ۱۱۰ سال عمر کرد و آفرایم و مناسه از او به دنیا آمدند». در فرهنگ عامه اسلامی به استفاده از تابوت یوسف برای تضمین حاصل‌خیزی مصر نیز اشاره می‌شود. بیضاوی (متوفی حدود ۶۸۵/۱۲۸۶) در تفسیرش درباره سوره یوسف می‌گوید: «...مصریان بر سر محل دفن یوسف با یکدیگر مشاجره می‌کردند و اختلافشان در آستانه بدل شدن به جنگ بود. سرانجام تصمیم گرفتند او را در تابوتی از سنگ مرمر بگذارند و در رود نیل دفن کنند تا آب از رویش بگذرد و به تمام مصر برسد. به این ترتیب همه مصریان به یک اندازه از او

۱. ن. کد: مقاله (MESSENGER) (رسول)، در همین دایرةالمعارف.

بهره‌مند می‌شدند». استخوان‌های یوسف را از شام به مصر بردند. روایات اسلامی در مورد محل نهایی دفن یوسف با یکدیگر مناقشه دارند. مطابق روایتی، این محل در حرم الخلیل شهر حبرون<sup>(۱)</sup> و بنابر روایتی دیگر در روستای بَلْتَه<sup>(۲)</sup> در نزدیکی نابلس است. از همین مرور اجمالی آشکار می‌شود که روایات فرهنگ عامه و تفسیری درباره سوره یوسف بسیار مفصل‌اند. تحقیقات غربی اولیه صرفاً به تطبیق این سوره با روایت‌های یوسف در تورات توجه داشتند؛ اما تحقیقات جدیدتر به ویژگی‌های ادبی این سوره و مناسبت این داستان با زندگی محمد ﷺ توجه دارند.

اس. گلدمن

### تعلیقه مترجم

چنان که گذشت مضمون کلام نگارنده مقاله در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ سوره یوسف بدین قرار است:

«وقتی همسر عزیز مصر پیشنهاد کام‌جویی به یوسف داد، یوسف آن پیشنهاد را پذیرفته و در صدد عملی کردن آن برآمد؛ اما با مشاهده برهان پروردگار از انجام تصمیمش منصرف گردید. بنابر نظر برخی از مفسران، مراد از این برهان، ندای خداوند بود که به یوسف فرمان داد تا گناه نکند. مطابق دیدگاه پاره‌ای دیگر، منظور از برهان، آن است که یوسف در حالت مکاشفه، سیمای پدرش - یعقوب - را دید و در حالی که انگشت خود را به دندان می‌گزید وی را از ارتکاب به عمل زشت زنا نهی کرده».

مطالب تفسیری فوق که بیان‌گر نسبت قصد انجام عمل زنا به یوسف هستند را

۱. باقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، صص ۴۹۹-۴۹۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۷۱۰ و الهروی، Guide، ۶۱.

نمی توان پذیرفت زیرا:

۱. مستند تفاسیر یاد شده، اخبار مجعول و غیر قابل اعتماد هستند. از تأمل دقیق در محتوای این اخبار چنین به نظر می رسد که آنها از زمره اسرائیلیات باشند و بر هر محقق زرف نگری کاملاً واضح و مبرهن است که اسرائیلیات تا چه اندازه، بی پایه و اساس هستند. علت آن که نگارنده مقاله، چنین نظریاتی را در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ سوره یوسف برگزیده آن است که از منابع اهل سنت استفاده کرده است. توضیح آنکه اهل سنت قائل به عصمت انبیا نیستند بنابراین مطالب زشت و زنده ای چون قصد انجام عمل زنا را به یوسف نسبت داده و در منابع خود ذکر کرده اند.

۲. خداوند در آیه ۲۴ سوره یوسف با تعبیر «... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» از یوسف یاد می کند. آیا بر اساس توصیف فوق که یوسف از بندگان مخلص (خالص شده) حضرت حق قلمداد می شود، می توان قصد انجام عمل بسیار زشت زنا را به یوسف نسبت داد؟ هرگز! حضرت امام رضا علیه السلام در خصوص مسأله مورد بحث می فرماید: «مفسر عزیز مصر تصمیم به کام جویی از یوسف گرفت و یوسف نیز اگر برهان پروردگارش را نمی دید، همچون مفسر عزیز مصر تصمیم می گرفت؛ ولی او معصوم بود و معصوم هرگز قصد گناه نمی کند و به سراغ آن نمی رود»<sup>(۱)</sup>.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت ۱۴۰۶ (هـ.ق) ج ۵، صص ۳۲۵-۳۲۹، طبیب، سید عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۷۸ (هـ.ش) ج ۷، صص ۱۷۹-۱۷۶ و قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، تهران ۱۳۷۷ (هـ.ش) ج ۵، صص ۱۰۹-۱۰۷ و مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، ۱۴۰۳ (هـ.ق) ج ۹، صص ۳۸۲-۳۶۶.

### «از انتشارات مکتب اسلام»

- ۱- پیشوائی از نظر اسلام نوشته آیه الله جعفر سبحانی
- ۲- رسالت جهانی پیامبران و برهان رسالت .....
- ۳- راه خداشناسی و شناخت صفات او .....
- ۴- معاد انسان و جهان .....
- ۵- فلسفه تاریخ و نیروی محرک آن .....
- ۶- منطق شیعه در مجامع علمی ....
- ۷- اسلام و ایران نوشته داود الهامی
- ۸- سیری در تاریخ تشیع ....
- ۹- در جستجوی عرفان اسلامی .....
- ۱۰- آخرین امید .....
- ۱۱- مهدی (عج) خاتم اولیاء و اوصیاء .....
- ۱۲- امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت با جلد شمیز و گالینگور .....
- ۱۳- تحریف شناسی عاشورا در پرتو امام شناسی .....
- ۱۵- دنیای نهج البلاغه؛ .....
- ۱۶- قبر گمشده؛ .....
- ۱۷- بهداشت برای همه ح (ا)، (بهداشت مادر و کودک)؛ نوشته دکتر منصور اشرفی؛
- ۱۸- «جرعه های جانبخش» نوشته غلامرضا گللی زواره و با مقدمه حضرت آیه الله سبحانی. با کسب مقام سوم از هیأت داوران در جشنواره انتخاب کتاب معلم.
- ۱۹- نشانه های خدا در قرآن؛ نوشته فرج الله فرج اللطی

انتشارات مکتب اسلام (وابسته به مجله مکتب اسلام)  
تلفن و فاکس مرکز بخش: ۷۷۴۲۳۸۴ ☎ ۴۴۱ - ۳۷۱۸۵

سال چهل و هفتم، شماره ۱۰، شماره مسلسل ۵۶۰  
دی ماه ۱۳۸۶ - ذی الحجة الحرام ۱۴۲۸ هـ.ق  
کلیه نامه های علمی و سؤالات، به عنوان هیئت تحریریه  
شماره حساب جاری بانک صادرات مرکزی قم ۹۱۹ - کد ۴۳  
و حساب سپهر ۰۱۰۱۰۲۷۲۷۷۰۰۳ بنام فرج اللطی، مکتب اسلام  
دفتر مرکزی، خیابان آیه الله نجفی